

بینش و روش تاریخ‌نگاری ظهیرالدوله با تکیه بر تاریخ بی‌دروغ

مصطفی جوان^۱

چکیده

کتاب تاریخ صحیح بی‌دروغ نوشته میرزا علی اصغر خان قاجار ملقب به ظهیرالدوله یکی از رجال مشهور دوره قاجار است. این کتاب از لحاظ اهمیت کتاب‌های تاریخی این دوره، در درجه اول قرار دارد و به علت ذکر حوادث تاریخی دوره‌ی ناصری و مظفری و بررسی تحلیلی روند حوادث، بسیار مهم و ارزشمند بوده و حقایق تاریخی فراوانی در آن نهفته است. تحقیق پیش رو با توجه به همین مسأله و به منظور بررسی ویژگی تاریخ‌نگاری ظهیرالدوله با عنوان «بینش و روش تاریخ‌نگاری ظهیرالدوله با تکیه بر تاریخ بی‌دروغ» به رشته‌ی تحریر درآمده است و سعی دارد پاسخی درخور برای سؤالات زیر بیابد: ویژگی‌های تاریخ‌نگاری تاریخ بی‌دروغ چه می‌باشد؟ این اثر به چه میزان از تاریخ‌نگاری دوره قاجار تأثیر پذیرفته است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است به دلیل حضور نویسنده در جریان وقایع این کتاب از اهمیت ویژه‌ای در تاریخ‌نگاری دوره قاجار دارد. همچنین از جمله ویژگی‌های تاریخ‌نگاری این اثر می‌توان به سبک بیان ساده، ریشه‌یابی و تحلیل وقایع، موضوع محور بودن و بیان احساسی و پیش‌داوری در بیان وقایع اشاره کرد.

واژه‌های کلیدی: تاریخ بی‌دروغ، میرزا علی اصغر خان ظهیرالدوله، ناصرالدین شاه، تاریخ‌نگاری.

^۱ دانشجوی دکتری تاریخ ایران اسلامی دانشگاه خوارزمی M.javan1979@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۳/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۸/۱۵

بررسی تاریخنگاری دوره قاجار یکی از موضوعات مهم در این دوره می‌باشد. به طوری که یکی از کتاب‌هایی که در این دوره از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌باشد، کتاب تاریخ بی دروغ است. کتاب مذکور شرح چگونگی واقعه کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی و چگونگی جلوس مظفرالدین شاه و نحوه اداره امور حکومت به وسیله میرزا علی اصغرخان امین السلطان از زمان کشته شدن ناصرالدین شاه تا زمانی که مظفرالدین شاه از تبریز به طهران آمد و بر تخت سلطنت نشست را دربر می‌گیرد. این کتاب بنابه دلایلی اهمیت قابل توجهی دارد: نخست آنکه مؤلف یعنی میرزا علی اصغر خان ظهیرالدوله، داماد ناصرالدین شاه و وزیر تشریفات دربار بود. طبیعتاً یکی از افراد معدودی بوده است که به دقایق و حقایق امور سلطنتی نسبتاً واقف بوده است. دوم آن که وی در جریان ماقوع کشته شدن ناصرالدین شاه و بازجویی از قاتل از نزدیک قرار داشت و شاهد و ناظر حوادث بود. سوم آن که به علت ذکر حوادث تاریخی دوره ناصری و مظفری و بررسی تحلیلی از روند حوادث آن دوره بدست می‌دهد. چهارم آن که مؤلف در کسوت درویشی بوده و کمتر جانب انصاف را کنار نهاده است. پنجم آنکه ظهیرالدوله از شعرا و ادبای عصر قاجار بود و با نثری ساده و روان بدون پیرایه، حوادث را بیان کرده که برای خواننده جذابیت دارد. در این مقاله نگارنده درصدد واکاوی تاریخنگاری میرزا علی اصغر خان ظهیرالدوله و تحلیل محتوایی کتاب تاریخ بی دروغ می‌باشد. بر این اساس، شکل شناسی و مضامین اثر ظهیرالدوله، اهمیت و ویژگی تاریخنگاری او، منابع اطلاعاتی مورخ در نگارش کتاب مورد نظر، و سبک و نگارش وی از مهم‌ترین موضوعات آن به شمار می‌آید.

ویژگی تاریخنگاری قاجار

در دوره قاجار توجه ویژه‌ای به علم تاریخ صورت گرفت. شیوه تاریخنگاری در این دوره را می‌توان به دو شیوه سنتی و جدید تقسیم کرد: الف) تاریخنگاری سنتی: این شیوه که تا پیش از تحولات عصر جدید مرسوم بود، استمرار وقایع نگاری‌ها و مجلس نویسی‌های دوره صفوی بود. تا پیش از تحولات



عصر جدید، ادب و شعر و تذکره نویسی و تراجم احوال با تاریخ مجموعه واحدی تشکیل می‌دادند. (آدمیت، ۱۳۵۷: ۱۵۱؛ ساروی، ۱۳۷۱: ۱۳؛ تکمیل همایون، ۱۳۷۰: ۱۶۷) و نوشته‌های تاریخی با آرایه‌های ادبی و جملات موزون و شعر و مبالغه و تملق آمیخته بود. (آدمیت، ۱۳۴۶: ۱۸) نویسندگان این تاریخ‌ها چون بیشتر اهل ادب بودند، ادیب مورخ نامیده می‌شدند. در اینگونه تاریخ نگاری، سنجش و نقد و ارزشیابی منابع و نتیجه‌گیری در کار نبود و مؤلفان، وقایع را بدون در نظر گرفتن روابط علت و معلولی کنار هم می‌چیدند و از ذکر بسیاری از وقایع به سبب ترس و مصلحت اندیشی یا درک نکردن معنای آن‌ها چشم پوشی می‌کردند. (همان، ۱۵۰) در واقع نویسندگان کتاب‌های تاریخی، مطالب کتاب‌های یکدیگر را تکرار می‌کردند و چون فقط به سرگذشت شاهان می‌پرداختند، از توجه به مسائل اجتماعی و اقتصادی و مسائل دیگر باز می‌ماندند. از آنجا که تألیف این کتاب‌ها غالباً فرمایشی و درباری بود، می‌بایست به تأیید شاه می‌رسید. (شیرازی، ۱۳۶۵: ۱۴) تاریخ نگاران این دوره، بیشتر کاتب و منشی دربار و تحت حمایت بزرگان قاجار بودند. این نوع تاریخ نگاری سنتی بیشتر در دوره اول حکومت قاجار، یعنی پادشاهی آقامحمدخان و فتحعلی شاه و محمدشاه، متداول بود.

ب) تاریخ نگاری جدید: مقدمات تاریخ نگاری جدید از زمان آشنایی ایرانیان با روش‌های تحقیق اروپایی آغاز شد. در نتیجه شکستهای ایران از روسیه، توجه شماری از ایرانیان به رمز ترقی غرب جلب شد؛ بخصوص ترقی روسیه پس از پطرکبیر توجه عباس میرزا را جلب کرد، زیرا او خود را پطر ایران می‌دانست و در ۱۲۸۳ کتاب پطر کبیر اثر ولتر برای او ترجمه شد. (آدمیت، ۱۳۴۶: ۲۰) از این پس برخی از شاهان قاجار از ترجمه حمایت کردند، مانند ناصرالدین شاه که به سبب علاقه‌مندی به تاریخ ممالک دیگر، دستور ترجمه بعضی از کتاب‌های تاریخی اروپایی را داد، همچنین برخی از شاهزادگان قاجار نیز به این کار مبادرت جستند. یکی از اقدامات ناصرالدین شاه تأسیس وزارت انطباعات بود که در آنجا به سرپرستی محمدحسن خان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات، کتاب‌های تاریخی تألیف و ترجمه شد. اقدامات این وزارتخانه بر تاریخ نگاری جدید تأثیر بسزایی گذاشت. (فرمانفرماتیان، ۱۳۶۰: ۱۲۰؛ افشار، ۱۳۸۰: ۴۱۷) با ترجمه کتاب‌های تاریخی، پیروی از شیوه تاریخ نگاری غرب (ساده نویسی، دقت



علمی، مطالعه در اسناد و نامه‌های رسمی و دوستانه، و توجه به تاریخ دوره باستان) آغاز شد. هم چنین تأسیس دارالفنون در ۱۲۶۸ و گشایش مدرسه علوم سیاسی در ۱۳۱۷ و تدریس تاریخ در این دو مدرسه نیز عامل آشنایی با تاریخ اروپا و تاریخ نگاری اروپایی شد. تألیف کتاب تاریخ برای تدریس به طور مشخص از زمان تأسیس دارالفنون آغاز شد و نخستین کتاب تاریخ درسی را ژول ریشار درباره ناپلئون نوشت. (صفت گل، ۱۳۷۸: ۱۵۶-۱۵۴) معلمان و فارغ التحصیلان دارالفنون کتاب‌های تاریخی تألیف و ترجمه کردند که بر تاریخ نگاری جدید ایران تأثیر بسیار گذاشت. افزون بر دارالفنون، نخستین کوشش در تدوین کتاب تاریخ درسی را یوسف خان مستشارالدوله (متوفی ۱۳۱۳) انجام داد. (همان، ۱۵۹، ۱۶۵-۱۶۴)

در این دوره، معرفت به تاریخ دنیا بیشتر شد و تفکر تاریخی ترقی کرد، مفهوم علم تاریخ عوض شد و سبک تحقیق و نگارش پیشرفت کرد و عیب‌های تاریخ نگاری سنتی تا حدودی معلوم شد. (آدمیت ۱۳۴۶: ۲۱-۲۲) بعلاوه، اعزام محصل به خارج در ۱۲۳۰، ورود صنعت چاپ به ایران در ۱۲۴۰ و چاپ روزنامه در ۱۲۴۵، در دگرگونی سبک نگارش و ساده شدن نثر تأثیر بسزا نهاد و متون تاریخی نیز، متأثر از سبک ساده نویسی در ادبیات، از پیچیدگیها و اغراق‌ها و تملقات منشیانه پیراسته شد. (بهار، ۱۳۲۱: ۳/ ۳۴۷-۳۴۰)

معرفی نویسنده

علی اصغر خان قاجار، ملقب به ظهیرالدوله، در سال ۱۲۸۱ ق، در جمال‌آباد شمیران متولد شد. (ظهیرالدوله، ۱۳۶۲: ۱۱) پدرش محمدناصرخان فرزند ابراهیم خان قاجار بود. اجداد وی از لحاظ نظامی و فرماندهی قشون در دوران پادشاهان قاجار مطرح بوده‌اند.

ابراهیم خان قاجار خود به عنوان یک فرد نظامی از طرف فتحعلی شاه به فرماندهی کرمان و تبریز منصوب شد. ابراهیم خان پس از چندی دختر خویش ملک سلطان خانم (یعنی عمه ظهیرالدوله) را به زنی به فتحعلی شاه داد و با این وصلت به دربار بیش از پیش نزدیک گردید. محمدناصرخان پدر ظهیرالدوله



نیز در زمان محمدشاه و ناصرالدین شاه یکی از امرای نظامی و بزرگان قاجاریه بود. (سپهر، ۱۳۷۷: ۱/ ۵۵۲) وی در سال ۱۲۷۸ از طرف ناصرالدین شاه به حکومت استرآباد و شاهرود رسید (روزنامه دولت علیه ایران، پنجشنبه ۲۶ محرم ۱۲۷۹ قمری، شماره ۲۵۶) و در سال ۱۲۸۳ به منصب ایشیک آقاسی باشی گری یا رئیس تشریفات دربار (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۶: ۲/ ۱۵۲۲) و در سال ۱۲۸۸ در زمان صدارت میرزا حسین خان سپهسالار وزیر عدلیه شد. (روزنامه ایران، چهارشنبه هفدهم شعبان ۱۲۸۸، نمره ۵۰، ص ۱، ستون ۱) محمد ناصر خان در سال ۱۲۹۴ فوت گردید. (بامداد، ۱۳۷۸: ۴/ ۱۵)

میرزا علی خان یازده ساله پس از درگذشت پدر به خدمت دربار ناصرالدین شاه درآمد و در سال بعد لقب پدرش ظهیرالدوله را به او دادند. علاوه بر لقب، سمت پدر یعنی رئیس تشریفات را که هم‌ردیف وزارت بود، عهده‌دار گردید. میرزا علی اصغر خان در سال ۱۲۹۷ یعنی در ۱۶ سالگی با تومان آغا ملقب به ملکه ایران، دختر ناصرالدین شاه ازدواج کرد. (ظهیرالدوله، ۱۱) ثمره ازدواج ظهیرالدوله با تنها همسرش هفت فرزند بود. (اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۶)

شرح حال ظهیرالدوله تا این مرحله با شرح حال سایر درباریان هم‌عصرش فرقی ندارد؛ اصل و نسب عالی، برخورداری از تحصیلات نسبتاً منظم و مرتب، کسب مقام و منصب و لقب پدر و هم‌چنین ازدواج با دختر شاه، امتیازاتی بود که در آن عصر دارنگانش از زندگی راحت و آسوده و توأم با تجمل برخوردار می‌شدند.

در سال ۱۳۰۳ اتفاقی روی داد که شیوه زندگی ظهیرالدوله را به کلی دگرگون ساخت و هم‌چنین بر آینده سیاسی او تأثیری تعیین‌کننده داشت. وی در این سال با یکی از اقطاب سلسله نعمت‌اللهی به نام صفی‌علی شاه که در آن تاریخ در تهران در خانقاهش (میدان بهارستان کنونی) به ارشاد مردم اشتغال داشت، آشنا شد و از مریدان او گردید. (ظهیرالدوله، ۱۲) وی به سرعت مراتب درویشی را پیمود و مقام خاص‌الخاص را احراز و به مصباح‌الولایه ملقب گردید. پس از مرگ صفی‌علی شاه در سال ۱۳۱۶ وی از سوی اکثر درویش صفی‌علی‌شاهی به عنوان مرشد و قطب جدید پذیرفته شد. (افضل‌الملک، ۱۳۶۱: ۳۷۲-۳۷۱)



ظهیرالدوله پس از سلطنت مظفرالدین شاه در سمت خود، وزارت تشریفات، ابقا گردید و در سال ۱۳۱۷ انجمنی به نام انجمن اخوت را تأسیس کرد که هدف و برنامه سیاسی آن رسیدن به مشروطه، دموکراسی و عدالت اجتماعی بود. (صفایی، ۱۳۶۲: ۱۳۸) بعدها در زمان محمدعلی شاه این انجمن نیز به توپ بسته شد. (رائین، ۱۳۴۵: ۱۳۷) برخی از محققین علت تخریب و تاراج انجمن اخوت را در ارتباط آن انجمن با تشکیلات فراماسونری دانسته‌اند. (محمود، ۱۳۴۵: ۱۷/ ۱۷۱۶) (عرفان، ۱۳۲۸: ۴۴۹-۴۴۱) ظهیرالدوله در سال ۱۳۱۹ هـ ق با حفظ سمت وزارت تشریفات حاکم مازندران شد ولی یک سال بیشتر در این سمت باقی نماند و پس از عزل بر سر شغل قبلی اش بازگشت. چندی بعد در سال ۱۳۲۳ هـ ق حاکم همدان شد و در آنجا انجمن ولایتی را تأسیس کرد. وی در محرم ۱۳۲۶ هـ ق به حکومت گیلان منصوب گردید ولی چندی بعد پس از به توپ بسته شدن مجلس در ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۶ هـ ق از حکومت گیلان عزل و به حکومت مازندران منصوب شد. در سال ۱۳۲۷ هـ ق به عنوان حکمران کرمانشاه راهی آن دیار گردید. ظهیرالدوله برای بار سوم در سال ۱۳۲۹ هـ ق به حکومت مازندران منصوب شد. و در این سال برای بار دوم به حکومت گیلان رسید ولی یکسال بعد در اعتراض به تعرضات روس‌ها، در محرم ۱۳۳۰ هـ ق راهی پایتخت گردید. ظهیرالدوله در سالهای ۱۳۳۳ و ۱۳۳۷ و ۱۳۴۱ هـ ق حاکم تهران شد. وی در سال ۱۳۰۳ شمسی بر اثر سکنه قلبی در تهران درگذشت.

تألیفات و اشعار

ظهیرالدوله از شعرا و ادبای عصر قاجار بود وی در کتاب (چتنه صفا) آثار خود را به شرح زیر بر می‌شمارد:

«کتب و رسائلی که در مواقع بیکاری و مجاله هدیه خاطر و خیال دوستان و برادران حال و استقبال نوشته‌ام نظماً و نثراً: [۱] رساله (سبحه صفا) و آن بعضی حکایات کوچک منظوم و به وزن مثنوی ملای روم است. [۲] کتاب (مرآة‌الصفی) و آن حالات بعضی از عرفای بزرگ نظم شده. [۳] کتاب (رعنا و زیبا) که فقط یک قصه است و به وزن خسرو و شیرین نظامی گنجوی نظم شده. [۴] کتاب



(مجمع الاطوار) که تقریباً متعلق به اخلاق درویشان است و به وزن مخزن الاسرار نظامی گنجوی منظوم است. [۵] رساله (روح الارواح) که در تصحیح ارواح و نثر است. [۶] (تاریخ صحیح بی دروغ) در وقایع کشته شدن ناصرالدین شاه قاجار. [۷] رساله (چنته صفا). [۸] غزل و رباعی هم گاهی سروده‌ام. (ظهیرالدوله، ۱۳۵۱: ۱۲-۱۱)

ایرج افشار در کتاب خاطرات و اسناد ظهیرالدوله از کتب دیگر ظهیرالدوله نام برده است. وی می‌نویسد: «آثار دیگری که از او به صورت مطبوع دیده شد عبارت است از: [۹] (واردات)، مجموعه مثنوی‌ها و اشعار که توسط حاجی داداش نعمتی ابتدا جزء مجله اخوت در سال ۱۳۰۷ شمسی و سپس مستقلاً در ۴۶ صفحه با بعضی از اشعار صفی‌علیشاه در کرمانشاه چاپ شده است. [۱۰] (آیه‌العشاق). اقتباس صفاعلی از تفسیر صفی و عبارت است از متن قسمت‌های موسوم به جذبۀ از تفسیر صفی و بعضی مطالب دیگر. [۱۱] (بورژمیه). حاوی مثنوی حکایت بورژمیه و قطعه موسوم به عریضه و دو رباعی با مقدمه سید مرتضی خطیب‌الملک که برای سوم شعبان ۱۳۲۷ یعنی اولین روز افتتاح جشن نصرت ملی در تهران (مطبعۀ فاروس) چاپ و نشر شد. [۱۲] همچنین باید از (فرقان الفقراء) نام برد که اثری است از صفی‌علیشاه و ظهیرالدوله از روی مصورات خط آن مرحوم جمع‌آوری کرده است. این رساله چاپ شده است و نسخه‌ای خطی از آن به خط انتظام السلطنه جزء مجموعه خطی خود انتظام السلطنه موجود است». (همان، ۲۳-۲۲)

معرفی کتاب

تاریخ بی دروغ کتابی است که در آن شرح چگونگی واقعه کشته شدن ناصرالدین شاه به دست میرزا رضای کرمانی و چگونگی جلوس مظفرالدین شاه و نحوه اداره امور حکومت به وسیله میرزا علی اصغر خان امین السلطان از زمان کشته شدن ناصرالدین شاه تا زمانی که مظفرالدین شاه از تبریز به طهران آمد و بر تخت نشست را دربرمی‌گیرد. از کتاب تاکنون چاپ‌های مختلفی صورت گرفته است. برای اولین بار ترجمه خلاصه‌ای از این کتاب به زبان فرانسه با امضای فردی به نام گیلن در سال ۱۹۱۰

م / ۱۲۸۹ ش در پاریس انتشار یافته است.

در سال ۱۳۳۶ ش مرحوم علی‌رضا حکیم خسروی (خسروانی) از اعضای انجمن اخوت و سلسله صفی‌علی‌شاهی کتاب را در انجمن مذکور در تهران منتشر کرد. امر نشر عام پیدا نکرد و به طور محدود در اختیار بعضی از علاقه‌مندان قرار گرفت. هم‌چنین بخش‌هایی از این کتاب در مجله توشه، سال اول، سال ۱۳۳۷، شماره ۳ الی ۶، به چاپ رسیده است. هنگامی که مرحوم استاد ایرج افشار به دنبال جمع‌آوری و نگارش اسناد و خاطرات کتاب بود، نسخه خطی از کتاب تاریخ بی‌دروغ را در آرشیو شخصی سیدعبدالله انتظام پیدا نمود. این نسخه توسط پدر سیدعبدالله یعنی سید محمد انتظام‌السلطنه که از یاران و مریدان ظهیرالدوله بود، از روی نسخه‌ی خطی ظهیرالدوله نوشته شده است. نسخه خطی انتظام‌السلطنه مجموعه‌ای است به قطع جیبی در سیصد صفحه و به خط شکسته نستعلیق پخته و محکم و خوش‌استنساخ که در سال ۱۲۹۵ ش / ۱۳۳۴ ق نوشته شده است. لازم به ذکر می‌باشد از کتاب تاریخ صحیح بی‌دروغ، نسخه خطی هم جزو مجموعه شماره ۳۳۸۱ کتابخانه مجلس شورای ملی نیز وجود دارد. کتاب خاطرات و اسناد ظهیرالدوله در سال ۱۳۵۱ توسط کتاب‌های جیبی چاپ شد. هم‌چنین پس از انقلاب نیز در سال ۱۳۶۲ کتاب بی‌دروغ با مقدمه نورالدین چهاردهی توسط انتشارات شرق به چاپ رسیده است.

ویژگی تاریخنگاری ظهیرالدوله

- موضوع محور

هر چند فرم تاریخنگاری کتاب تاریخ بی‌دروغ نسبت به تواریخ قبل تغییر نکرده است، اما تفاوت اساسی با تواریخ قبل دارد و آن محوریت قرار گرفتن موضوع خاص می‌باشد. به طوری که موضوع اصلی آن واقعه کشته شدن ناصرالدین شاه و جلوس مظفرالدین شاه می‌باشد. ظهیرالدوله در واقع به حوادث آخرین سال سلطنت ناصرالدین شاه و اولین سال جلوس مظفرالدین شاه پرداخته است. وی مشاهدات شخصی و نقل قول‌های دیگران را در این باره شرح می‌دهد. همانطور که ذکر شد ظهیرالدوله





بنابه گفته خویش طی تحقیق و صحبتی که با حاج سیاح داشته، احوالات میرزا رضای کرمانی را از ایشان شنیده و مطالب را از خاطرات و دست‌نوشته‌های وی عیناً رونویسی کرده است.

- ریشه یابی وقایع و تحلیل آن

اساساً تفکر ریشه‌یابی در این دوره در حال شکل‌گیری می‌باشد. ظهیرالدوله به علل و عوامل کشته شدن ناصرالدین شاه توسط میرزا رضا کرمانی، تفاوت‌های حاجی میرزا آغاسی با میرزا علی اصغر امین السلطان و تحلیل حوادث آن دوره می‌پردازد. وی درباره نقل قول‌های مختلف در کشته شدن ناصرالدین شاه می‌پردازد و در آخر می‌نویسد: «حرف‌های زیاد در افواه از قول میرزا رضا معروف شد. ولی غالباً دروغ و بی‌اصل بود. چیزی را که می‌توانید با گوش خودتان از قول میرزا رضا کرمانی شنیده باشید همین است که من نوشتم.» (ص ۳۶) هر چند وی به خاطر آنکه داماد شاه و از رجال درباری بود به خوبی به علل ترور شاه نپرداخته است.

در واقع با بررسی و تجزیه و تحلیل منابع مشخص می‌شود که میرزا تحت ظلم و ستم به ناحق کامران میرزا و سایر درباریان قرار می‌گیرد. هم‌چنین مسأله بی‌عدالتی، تبعیض، رشوه و دزدی و... باعث می‌شود که میرزا، شاه را بزند.

- وقایع نویسی

به طوری که پیداست غرض اصلی میرزا علی اصغر خان ظهیرالدوله از تألیف کتاب تاریخ بی‌دروغ نقل وقایعی است که خود به عنوان وزیر تشریفات شاهد و ناظر آن بوده یا از افراد مطلع چون حاجی سیاح شنیده است. به طور مثال خود در روز غسل دادن شاه و در روز جلوس مظفرالدین شاه، تغییرات مناصب و... حضور داشته است.

- بروز احساسات (پیشداوری، حمایت یکجانبه، چاپلوسی، ناگفته‌ها)

از ویژگی‌های دیگر ظهیرالدوله در تاریخنگاری خود احساسی نوشتن و تا حدودی چاپلوسی و تملق است. به طوری که وی در جای جای کتاب در مواجهه با حوادثی که خوشایند و ناخوشایند است، با بیان احساسات خویش آن را شرح می‌دهد. چنانچه ظهیرالدوله درویش مسلک، به میرزا رضا اهانت



می کند و با یک پیشداوری اعدام او را خواست تمام مردم ایران می داند و می نویسد: «یکی از غرایب دنیا این است که کسی قتل نفس کرده باشد آن هم پادشاهی را کشته باشد و حال آنکه خودش هم بیشتر از یک گدایی نباشد آن هم پادشاهی مثل ناصرالدین شاه که اهالی تمام کره او را بشناسند و تمام مردم هم به خون قاتلش تشنه باشند تا به حال که چهار ماه از آن واقعه گذشته هنوز زنده باشد و حال آنکه خود قاتل یقین داشت که پس از این جسارت بیشتر از یکی دو دقیقه نخواهد گذشت که مردم جمهور ناس او را ریز ریز خواهند کرد». (ص ۴۳)

در ادامه ظهیرالدوله به خصوصیات، صفات و ویژگی های ناصرالدین شاه و هم چنین تأسیس بناها، میادین، باغات و کاخ های شاه اشاره نموده و با یک تعصب و پیش داوری می گوید: «تواریخ فرس و عجم کمتر پادشاهی مهربان، بردبار، رعیت پرور، ترقی طلب، با رحم، بی غضب و خوش منظرتر از ناصرالدین شاه نشان می دهد. اندرون و عمارت سلطنتی که تقریباً دارای هزار اطاق کوچک و بزرگ و ۱۰ حیاط کوچک و ۷ حمام بزرگ است در شهر طهران و... کارخانه قندسازی و شیشه سازی و ضرابخانه در عصر این پادشاه به ایران آمد و حقوق بسیار بر این ملت حق ناشناس و رعیت ناسپاس دارد. ولی افسوس که ما ملت وحشی قبول تربیت و خوشی نمی کنیم». (همان) در ادامه ویژگی های شاه، ظهیرالدوله به سه سفر شاه به فرنگستان به منظور تماشا و دیدن آثار و ملاقات با سلاطین فرنگ اشاره کرده است و هیچ صحبت و تحلیلی از قراردادهایی که در آن زمان به ضرر کشور بسته شد چون: تالبوت، رویترا، معاهده پاریس، قتل امیرکبیر و... اشاره نمی کند. هم چنین ظهیرالدوله در کتاب صحیح بی دروغ اندکی از حقیقت را در مورد ویژگی ها و صفات اخلاقی ناصرالدین شاه بازگو می کند و می گوید: «عیبی که ارباب بینش و اصحاب دانش به دیده تحقیق در آن وجود دیده بودند فقط اندکی شهوت و کمی طمع بود». (همان) نکته جالب این است که ناصرالدین شاه هنگام مرگ ۸۵ زن داشت و حرمسرای او لااقل شامل ۱۵۰۰ نفر می شد. وی ۲۷ فرزند داشت. در ادامه ظهیرالدوله به ورود مظفرالدین شاه به کاخ سلطنت می پردازد. با خواندن این قسمت چاپلوسی و تملق درباریان و در رأس آن صدراعظم به خوبی نمایان می شود. در واقع همان طور که می دانیم دولت قاجار بر سلطنت استبدادی استوار بود. شاه، در عمل تنها قدرت برتر



کشور و صاحب اختیار جان و مال و ناموس مردم محسوب می شد. جز شاه هیچ کس حق دخالت در امور مهم سیاسی نداشت. وزرا و صدراعظم در واقع نوکران شاه محسوب می شدند. دربار که بر تصمیمات شاه بسیار تأثیر می گذاشت محیطی آکنده از فساد و رشوه و توطئه و تملق و چاپلوسی بود. ظهیرالدوله درباره چاپلوسی درباریان می نویسد:

«شاه از کالسکه پیاده شد وارد حیاط شد و در حین ورود حضرت صدراعظم به زمین افتاد پاهای شاه را بوسید و بعضی از شاهزادگان هم به خاک افتاده زمین بوسیدند. حال غریبی به نوکرهای همراه و آنهایی که در طهران و در دربار بودند دست داد که تحریری نیست». (ص ۴۰)

هم چنین در فصل چهارم کتاب خویش در شکرگزاری از میرزا علی اصغرخان امین السلطان صدراعظم، صفاعلی شاه به شدت به حاج میرزا آغاسی صدراعظم پیشین قاجار در دوره محمدشاه حمله ور شده و وی را می گوید. در ادامه ایشان را با میرزا علی اصغرخان امین السلطان مقایسه می کند. وی قتل و غارت و ظلم و ستم هایی که بر مردم در زمان آغاسی صورت گرفت را مطرح کرده و علت بست نشینی آغاسی به حرم عبدالعظیم و سپس مهاجرت به کربلا پس از فوت محمدشاه را همین ظلم و ستم می داند. پس از آن ظهیرالدوله به صورت افراطی از امین السلطان تعریف و تمجید کرده و به مدیریت امین السلطان در حوادث پس از کشته شدن شاه اشاره می کند به گونه ای که اگر امین السلطان نبود معلوم نبود که چه اتفاقی می افتاد.

- نشر کتاب

زبان و سبک نگارش کتاب تاریخ بی دروغ بر خلاف سایر کتاب های دوران قاجاریه سلیس و روان است. عبارت پردازی و تکلفات مرسوم ادیبانه در نوشته های او دیده نمی شود. با توجه به اینکه ظهیرالدوله از شعرا و ادبای عصر قاجار بود وی با نثری ساده و روان و خالی از تکلف و تقید، حوادث تاریخی ایران را در این دوره طوفانی به تصویر کشیده است. هر چند که ظهیرالدوله در موارد متعددی از کلمات فرنگی چون «پلتیک، دیپلماتیک و...» و عربی چون «غره شهر، احباب نبوی»، و آیات قرآن همچون «سبحان الله فاعتبروا یا اولی الابصار، الملك الواحد القهار و هو الحی الذی لایموت» استفاده

کرده و آنها را به صورت‌های مختلف در متن کتاب تاریخ بی دروغ ضبط کرده است.

نتیجه‌گیری

کتاب تاریخ بی دروغ، نوشته میرزا علی اصغر خان ظهیرالدوله، داماد ناصرالدین شاه و وزیر تشریفات دربار، یکی از مهم‌ترین و باارزش‌ترین منابع تاریخ‌نگاران و ادیبان دوره ناصری و مظفری می‌باشد. موضوع و حیطه کتاب شامل وقایع سیاسی اجتماعی دوره ناصری و مظفری می‌شود. مهم‌ترین ویژگی تاریخ‌نگاری این اثر عبارت‌اند از: ارزش و اهمیت تاریخ بی دروغ به خاطر موقعیت ویژه نویسنده آن است که سال‌ها در کانون مسائل سیاسی قرار داشته و بسیاری از رخدادها را به چشم خود دیده یا در آنها شرکت داشته است. همچنین عدم توجه مطلق به تاریخ سیاسی و نظامی، دقت و وثاقت علمی نویسنده در جمع‌آوری اطلاعات، عدم توجه به افسانه و غیر واقعیت‌ها و جلوگیری از آمیختگی آنها با تاریخ، ارائه شرحی زنده و پویا از رویدادهای تاریخی.

منابع

آدمیت، فریدون (فروردین ۱۳۴۶). «انحطاط تاریخ نگاری در ایران»، سخن، س ۱۷، ش ۱.

_____ (۱۳۵۷). اندیشه‌های میرزا آقاخان کرمانی، تهران: بی نا.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان (۱۳۶۳). المآثر و الآثار، به اهتمام ایرج افشار و حسین محبوبی اردکانی، ج ۱، تهران: اساطیر.

_____ (۱۳۶۶). مرآة البلدان، به کوشش عبدالحسین نوائی و میرهاشم محدث، تهران: دانشگاه تهران.

افشار، ایرج (۱۳۸۰). «نگاهی گذرا به تاریخ نگاری ایرانیان»، در یاد پاینده: مجموعه ۴۶ گفتار پژوهشی، به کوشش رضا رضازاده لنگرودی، تهران.

_____ (۱۳۵۱). خاطرات و اسناد ظهیرالدوله، تهران: کتاب‌های جیبی.



- افضل‌الملک (۱۳۶۱). **افضل‌التواریخ**، به کوشش منصوره اتحادیه (نظام‌مافی) و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ.
- بامداد، مهدی (۱۳۷۸). **شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری قمری**، ج ۴، تهران: زوار.
- بهار، محمدتقی (۱۳۲۱). **سبک شناسی**، ج ۳، تهران: بی نا.
- تکمیل همایون، ناصر (۱۳۷۰). «وقایع نگاری»، در یکی قطره باران: جشن نامه استاد دکتر عباس زریاب خوئی، به کوشش احمد تفضلی، تهران: بی نا.
- رائین، اسماعیل (۱۳۴۵). **انجمن‌های سری در انقلاب مشروطیت ایران**، تهران: زوار.
- روزنامه ایران، چهارشنبه هفدهم شعبان ۱۲۸۸، نمره ۵۰.
- روزنامه دولت علیه ایران، پنج‌شنبه ۲۶ محرم ۱۲۷۹ قمری، ش ۲۵۶.
- ساروی، محمدتقی (۱۳۷۱). **تاریخ محمدی (احسن‌التواریخ)**، بکوشش غلامرضا طباطبائی مجد، تهران: بی نا.
- صفایی، ابراهیم (۱۳۶۲). **رهبران مشروطه**، تهران: جاویدان.
- صفت گل، منصور (پاییز ۱۳۷۸). «تاریخ نویسی در ایران: از دارالفنون تا برافتادن فرمانروایی قاجاران»، فصلنامه دانشگاه انقلاب، ش ۱۱۲.
- ظهیرالدوله، علی‌خان (۱۳۵۱). **خاطرات و اسناد ظهیرالدوله**، به کوشش ایرج افشار، تهران: فرانکلین.
- _____ (۱۳۶۲). **تاریخ بی‌دروغ**، به اهتمام علیرضا حکیم خسروی، تهران: شرق.
- عرفان، محمود (بهمن ۱۳۴۶). «فراماسون‌ها در ایران»، **یغما**، سال ۲، ش ۱۱.
- فرمانفرم‌تایان، حافظ (۱۳۶۰). «تاریخ‌نگاری ایران در سده‌های نوزدهم و بیستم میلادی»، در **تاریخ‌نگاری در ایران**، ترجمه یعقوب آژند، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- لسان‌الملک سپهر، محمدتقی (۱۳۷۷). **ناسخ‌التواریخ**، به اهتمام جمشید کیانفر، ج ۱، تهران: اساطیر.
- محمود، محمود (۱۳۴۵). **تاریخ روابط سیاسی ایران و انگلیس**، ج ۷، تهران: اقبال.